

## خراسان جنوبی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی

#### روزنه

### عشایر خوسف در مرحله نهایی جشنواره عشایر دوستدار کتاب

**حسین قربانی** -عشایر خور خوسف به مر حله نهایی هفتمین جشنواره روستاهاوعشایر دوستدار کتاب ایران را به افت. معاون فرهنگی و رسانه ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام این که حدود ۲۰۰ روستا ومنطقه عشایر ی از خراسان جنوبی در هفتمین جشنواره روستاهاوعشایر دوستدار کتاب ایران شرکت کردند،به خبرنگار ما گفت: در مرحله اول دآوری آثار جشنواره، ۱۱۳ روستا و منطقه عشایری و در مر حله دوم این جشنواره ۲۰ استان انتخاب و به دبیر خانه جشنواره برای دآوری نهایی معرفی شدند که منطقه عشایری خور شهرستان خوسف یکی از راه یافتگان به مر حله نهایی این جشنواره است. «ر.مضانی» با بیان این که باوجود شیوع بیماری کروناو محدودیت های ایجاد شده، سطح آثار ارسالی به دبیر خانه از رشد کیفی و کمی چشمگیری برخوردار است، افزود: ۱۰ روستا به عنوان روستاهای برگزیده دوستدار کتاب و ۱۵ روستانیز به عنوان روستاهای شایسته تقدیر ویک روستا به عنوان برگزیده انتخاب خواهد شد و به هریک از روستاها و آبادی های عشایری برگزیده جوایزی تا سقف ۵۰۰ میلیون ریال اهدا می شود.

#### کلک خیال

### فکر بی پایان

حسرت باران نداری صحبت باران مکن آسمان گریه بشو، چشم کسی گریان مکن جای مردان، عرصه جولان بود در کارزار گونداری جوهر مر دانگی، جولان مکن پیش هر نامر دی و مردی سر مکن بیهوده خم تا خدا با توست، خوف از خسرو خاقان مکن همت و آزادگی و عزت و فروز اتنگی این گهر هار انثار مردم نادان مکن در زمستان چشم مر گیر از بساط خشک باغ همچون تر گس چشم مست خویش را بحیران مکن در سهارستان به جز بخت گل خندان مکن تانسیم خند غنچه وز دا هر طرف چون سپیده گوشواره نقره ات پنهان مکن جام عرم گشته لبریز از شراب تلخ مر گ فرصت ناقوس طی شد فکر بی پایان مکن

**استاد غلامحسین یوسفی «ناقوس»**

#### پای صحبت هنرمند کوتاه قد استان

### عشق بازیگری

**حسین قربانی**– معلم های کلاس سوم دبستان محل تحصیلش در سریشه مشوق اصلی او برای حضور در گروه تئاتر مدرسه بودند و این موضوع زمینه ای شد تا کتاوهی قد مانعی برای تلاش و رسیدن به آرزوی دیرینه اش که بازیگری بود، نشود و حال از سال ۹۰ به عنوان بازیگر کوتاه قد خراسان جنوبی در نقش های مختلفی مانند ملاک، باغیان و... در فیلم سینمایی، شب های زغرفرونی و نارودنه ایفا نقش کرده است. بازیگران کوتاه قد از جمله شخصیت هایی هستند که با ایفای نقش در فیلم ها، سریال ها و برنامه های زنده و تولیدی سینما و شبکه های مختلف سیما و حتی بازی در تئاتر در جذب مخاطب و تماشاگر نقش بسزایی دارند به طوری که بعضی از آن ها تنها برای مشاهده بازیگران کوتاه قد به تماشای فیلم، سریال یا برنامه زنده می پردازند.

##### آرزوی بازیگری

«غلامرضا محمودی» از هنرمندان کوتاه قد خراسان جنوبی است که اول فروردین ۶۰ در سریشه چشم به جهان گشود و از آن جایی که یکی از آرزوهایش از دوران کودکی بازیگری و ایفای نقش در تئاتر و فیلم بود با تشویق معلمانش آقای دوستی و خانم طالبی از سال سوم دبستان وارد گروه تئاتر مدرسه شد تا زمینه رسیدن به آرزویش فراهم شود.

او به این کار در دوران تحصیل در راهنمایی و دبیرستان نیز ادامه داد و بعد از اتمام تحصیل با گروه های آزاد تئاتر سریشه همکاری داشت. سال ۸۴ برای بازی در تئاتر به بیرجند دعوت اما به او گفته شد که باید در دوره آموزشی شرکت کند. او می گوید: آشنایی با «مرتضی معتمدی» یکی از عوامل تولید فیلم در استان سبب شد تا در تولید چند ویدئو برای شبکه نسیم ایفا نقش کند. بازی در فیلم سینمایی کمدی پلیسی «عقیقه» به کارگردانی عبدا... اسماعیلی در سال ۹۰ از دیگر کارهای این هنرمند سریشه ای است که در آن نقش ملاک را بر عهده داشت.

##### ایفای نقش در برنامه های نمایشی

او ادامه می دهد: آشنا شدن با «امید واحدی فر» یکی از کارگردان های استان هم سبب آغاز فعالیت برای بازی در برنامه های مختلف صدا و سیما ی خراسان جنوبی مانند شب های

یک شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ ۲۳ رجب ۱۴۴۲ شماره ۳۵۰۷

اذان ظهر ۱۱:۴۴ غروب آفتاب ۱۷:۳۵ اذان مغرب ۱۷:۵۲ اذان صبح فردا ۴:۳۲ طلوع آفتاب فردا ۵:۵۳

**صاحب امتیاز:** موسسه فرهنگی هنری خراسان **مدیر مسئول:** محمد سعید احديان **سردبیر:** علی ولیزاده

**دفترمرکز کزی:** مشهد،بلوار شهیدصادق(سازمان آب) **مندوق پستی:** ۹۱۷۳۵-۵۱۱ **تلفن:** ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰ **نمابر دبیرخانه:** ۰۵۱-۳۷۶۲۴۳۹۵ **پيامك:** ۲۰۰۰۹۹۹

**سرپرستی استان خراسان جنوبی:**بیر جند،خیابان مدرس،خیابان باهنر غربی،شماره ۷۷ **تلفن سرپرست:** ۰۵۱-۳۲۴۴۳۹۳۹ **تحریریه:** ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۵ **نمابر تحریریه:** ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۴

**واحد آگهی و اشتراک:** ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۴ **مندوق پستی:** ۵۱۴-۹۷۱۷۵ **نمابر آگهی و اشتراک:** ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۳ **چاپ:** شهرچاپ خراسان

#### فرهنگستان

#### تخصیص کامل برای بافت تاریخی خوسف

اعتبار مرمت و بازسازی بافت تاریخی خوسف کامل شد.
امسال برای این کار ۲۳۰ میلیون تومان از منابع ملی مصوب شده است و آن طور که مدیر پایگاه ملی بافت تاریخی خوسف گفت همه مبلغ یاد شده برای مرمت و بازسازی این بافت در سال ۹۹ تخصیص یافت.
این بافت سال قبل هم ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار مصوب داشت که با توجه به تخصیص از منابع ملی، همه آن محقق شد.
بنا بر آمار «پرسا جمشیدی» بافت تاریخی مصوب خوسف ۲۲ هکتار وسعت و ۲۷ بنای ثبت شده دارد و برخی از آن ها با مشارکت مالکان مرمت و بازسازی شده است.

### ۱۰۲ شغل در گردشگری و صنایع دستی سرایان

فعالیت در بخش گردشگری و صنایع دستی سرایان امسال ۱۰۲ شغل ایجاد کرد که از این آمار ۹۲ نفر در حوزه صنایع دستی و بقیه در گردشگری فعال است.
آن طور که رئیس میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی سرایان گفت: ۵۶ نفر در زمینه تراش سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی و ۳۶ نفر در چادر شب بافی مشغول به کار شده اند.
«عرب» اشتغال بخش گردشگری را در آفتگاه های بوم گردی و آژانس های مسافرتی بیان کرد.

### میراث فرهنگی پیشرو در نهبندان

میراث فرهنگی در اولویت سه حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نهبندان است که این اولویت بندی را میزان اعتبارات مصوب برای بخش میراث فرهنگی تعیین کرده است.
رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نهبندان گفت: از ۹۰۰ میلیون تومان اعتبار امسال ۸۵۰ میلیون تومان برای حوزه میراث فرهنگی تصویب شده است و بخش صنایع دستی ۵۰ میلیون تومان بوجه دارد و از اعتبارات استانی رقمی برای گردشگری مصوب نشده است.
«شانی» با اشاره به این که ۲۰۰ میلیون تومان از منابع ملی به حوزه گردشگری اختصاص یافت که برای کمپ گردشگری نهبندان هزینه شد، افزود: اعتبار مصوب سه حوزه ۹۰۰ میلیون تومان از منابع استانی و ۳۰۰ میلیون تومان از محل سفر استاندار سابق بود که به ترتیب ۲۰۰ میلیون تومان از اعتبار استان و همه رقم مصوب سفر استاندار محقق شده است.



#### نخبگان علم و ادب

### شیخ محمد حسین راشد محصل

شیخ محمد حسین راشد محصل از علما و مجتهدان بزرگ بیرجند است که سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در روستای افضل آباد خوسف در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود. او تا ۱۳ سالگی مبادی علم صرف و نحو عربی را نزد پدر و جدش فرا گرفت و بعد تحصیلات خود را تا سطوح عالی نزد تعدادی از علمای مشهد گذراند. به اصرار مادر به زادگاهش بازگشت و به ارشاد و تربیت فرزندان آن دیار همت گماشت. وی سال ۲۸ به بیرجند آمد و تا سال ۴۴ بخش اعظم دروس حوزه علمیه بیرجند را تدریس می کرد و ۱۰ سال هم در مشهد تدریس، تفسیر قرآن و... را بر عهده داشت. وی به اجرای اصلاحات ارضی در ایران اشکال وارد کرد. سرانجام در سال ۵۲ در گذشت و در جوار حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

#### امثال و حکم

### پَی کَله ای وَ خَلَوَی بی نَمک مَونه

مثَل «پَی کَله ای وَ خَلَوَی بی نَمک مَونه» در کتاب دستان ها و داستان ها به عنوان عبارت قدیمی قید شده است. مولف کتاب درباره آن توضیح می دهد: پشت کَله اش به خلَوی بی نمک می ماند یعنی به ظاهر خود را بی خبر نشان می دهد اما در حقیقت به دنبال کشف مطلبی است.

دکتر «نگویی» می گوید: این مثل درباره فردی به کار می رود که از موضوعی بی اطلاع باشد و لی با همان حال خجالت بکشد از دیگری بپرسد.



#### آن سوی شهر، چند پرده از یک زندگی

## حرف های ناگفته یک خانه

#### قاسمی

صدای دختر کت خرازشت تلفن می لرزد، «در عقد هستم و پدرم معتاد است و توان کار ندارد. در یک مغازه، فروشنده ام اما درآمد زیاد نیست، البته خواهر کوچک ترم نیز عقد شده است و هر دو برای تأمین جهیزیه در مانده ایم».

خانه اش جایی در محله ای قدیمی از شهر است، یک گاراژ. راه خانه اش را در پیش می گیرم، دیدن شیشه شکسته در، در ساعت های اول صبح و گاراژی که به قول معروف در سایه و نَسر واقع شده است، تن آدم را می لرزاند.

مردی کهنه پوش که روی چرخ دستی کمی میوه دارد صدایش را بلند می کند: خیار، سیب، میوه. کسی نخواست؟ مقابل گاراژ هم صدایش را بالا می برد، همسایه کناری با او مشغول صحبت می شود. این دست و دست نداشتن کردن بی فایده است بنابراین با دست در گاراژ ارامی کویم و صدای مردی می آید که می پرسد کیست؟ و با شنیدن صدای ناشناس زاننه، دوباره می پرسد. مرد میوه فروش هم این بار جوابش را می دهد شش نفر، در تپ و سن های مختلف یکی یکی از گاراژ بله، بله می آیم، اما در باز نمی شود. دوباره بر در می زنی و باز می پرسد: کیست؟ لحظه هایی طولانی می گذرد. در باتعلل باز می شود و بلافاصله چند مرد شاید شش نفر، در تپ و سن های مختلف یکی یکی از گاراژ بله، بله می آیم، اما در باز نمی شود. دوباره به نگاه می کنم، همان جاست که دختر جوان گفته است، اما خودش نیست.

##### پشت چادر کهنه

بوی عجیبی از پشت چادر کهنه ای که به جای پرده نصب کرده اند، بیرون می زند. می توان تعلق در باز کردن در را به راحتی حس زد. یک کرسی که بر عکس گذاشته شده کمی جلوتر از در است. سراغ دختر ها را که می گیرم مردی نه چندان مسن، درشت هیکل و با موهای ژولیده و صورت آشفته می گوید، سر کار هستن. یک فرش ۱۲ متری که جای خالی روی آن نمی توان دید، پهن شده است. پسر نوجوانی زیر پتو رنگدیک کرسی در خواب است و با فاصله کمی از او زنِی رنگ پریده و گنج خواب، به زحمت چشمانش را باز می کند. آن طرف تر زنِی جوان تر، پتو را روی پاهایش می کشد، او سر حال تر به نظر می رسد. مرد لاغر و تکیده نارنجی پوشی هم کنار ایستاده است و نگاهمان می کند. تصورش سخت است که آن همه آدم در این فضا چطور جا شده بودند. ذهنم در گیر دختر های جوان و منتظر جهیزیه است که سر کار هستند. به موازات فرش

#### بینش مذهبی و پدیده های جغرافیایی

بر اساس هر بینش مذهبی در مناطق مختلف، پدیده های جغرافیایی متناسب با همان بینش تولید، گسترش و دوام می یابد. در استان خراسان جنوبی از دوره صفویه به بعد و به ویژه در دوره قاجار بارونق براسم شبیه خوانی، تکایا و حسینیه های متعددی با معماری و کار کردهای متنصر به فرد شکل گرفته که تا زمان ما تعدادی از آن ها باقی مانده است. دکتر «مفید شاطری» عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند و «طاهره مال اندوز» در کتاب بینش مذهبی و پدیده های جغرافیایی، حسینیه ها و تکایای تاریخی خراسان جنوبی تلاش کرده اند تا با تاکید بر اسناد وقفی و بهره گیری از روش مطالعه اسنادی و میدانی به معرفی تکایا و حسینیه های با ارزش تاریخی بیرجند. تبیین تاثیر گذاری بینش مذهبی با اثر گذاری ویژه نهاد وقف، از جمله ستاردهای این اثر پژوهشی است. در فصل اول این کتاب با ارائه تعریفی از حسینیه ها، انواع کار کردها و وجه تسمیه آن ها بیان شده است و در فصل دوم این اثر، حسینیه ها و تکایای استان معرفی شده اند. در صفحات پایانی کتاب هم وقف نامه های مربوط به حسینیه های استان منتشر شده است. کتاب بینش مذهبی و پدیده های جغرافیایی توسط انتشارات چهار درخت ۵۰۰ نسخه چاپ شده است.

این هنرمند ۳۰ساله خراسان جنوبی که سال ۹۰ ازدواج کرده و دارای دو پسر و دوقلو یک دختر و شغل اصلی اش فروش لوازم برقی در بیرجند است، می گوید: به بازیگری به عنوان منبعی برای درآمد نگاه نمی کنم و در کنار شغل اصلی خود با وجود همه مشکلات و تنها به دلیل عشق و علاقه خاصی که دارم به فعالیتیم در این حوزه ادامه می دهم و از انجام این کار بسیار خوشحالم.

او بهر خورد بسیار خوب مردم کوچه و بازار با او به عنوان بازیگر کوتاه قد خراسان جنوبی اشاره می کند و از ایفای نقش در بخش های نمایشی برنامه های زنده به دلیل هیجان و استرس خاصی که دارد، سخن می گوید و یاد آور می شود با دیگر افراد قد کوتاه خراسان جنوبی ارتباطی ندارد و برای برقراری ارتباط با بازیگران قد کوتاه کشور و مشارکت در برنامه های آن ها اقدام نکرده ام.

راپایین می اندازد، گاهی نگاهمان می کند: مامان و بابا هر دو معتناد، بقیه سوال هایمان را هم جواب می دهد: آن مردها فامیل و همسایه نیستند برای کشیدن مواد می آیند. زن جوان هم قوم و خویش نیست، می گوید پدرش سر هنگ است اما او هم برای مواد می آید. ما بیشتر خانه بابا بزرگ هستیم.

دختر بچه خیلی حرف دارد. از این که ۱۳ سال دارد اما از درس و مدرسه عقب و تا سوم دبستان درس خوانده است حالا هم که مدرسه تعطیل است و

گوشی ندارد که درشش را ادامه بدهد.

همان طور که حرف می زند پدر بزرگ می آید، سراغش می رویم دل خوشی از پسرش ندارد. می داند که مهمانش هم برای چه به گاراژ رفت و آمد می کنند. پدر میرد تنهایی که همسرش را از دست داده است و حالا به جای آن که همدم و مراقبی داشته باشد نه تنها باید نگران سلامت، امنیت و آسایش نوه ها، شیطلت ها و خراب کاری هایشان باشد بلکه با همان مستمری اندک باز نشستگی مخارج آن ها و آب و برق گاراژ و... را هم بدهد. نگرانی های پدر بزرگ فقط این ها نیست. دختر نوجوان را نشان می دهد و با تاسف می گوید: اووبرادر ۱۶ ساله اش کنار مادر معتاد شدند و با کمک بهزیستی و خواهر های بزرگ، ترک کردند اما این زندگی نیست که دارند. در این سن و سال هنوز باید نگران آن ها باشم. در حین صحبت هایش مرد جوان و لاغر اندامی که ۲۰ دقیقه قبل گاراژ را ترک کرده بود دوباره به آن جا بر می گردد و دقایقی بعد باز ن جوان خارج می شود. لباس و سر و وضعش به این اطراف و ساکنان نمی خورد. آن ها به سرعت از آن جا دور می شوند. چند لحظه بعد یکی دیگر از همان مردها از جلوی گاراژ و خانه پسر میرد می گذرد و... پدر بزرگ نگران تربیت نوه هایش است، نگران سر نوشتش در هم پیچیده پسر، ش و فرزندانِی که به جز نیاز های اولیه و خورد و خوراک و پوشاک از موابض زندگی محروم اند.

دختر نوجوان همچنان ایستاده و به همه حرف ها گوش می دهد، چشم هایش حس عجیبی دارد شاید حرف های ناگفته زیادی، صحبت پدر بزرگ

که تمام می شود داخل ساختمان می روند، دختر بچه از پشت نقشه شکسته نگاه می کند. نمی دانم،

شاید به سر نوشت ما معلوم خود و خواهر و برادر هایش فکر می کند....

#### بازی های محلی

### سنچیل بازی

این بازی از بازی های محلی قدیم روستای ماخونیک است. برای انجام آن چهار تایلچ سنگ را روی هم قرار می دهند که به عنوان هدف محسوب می شود. بعد از قرعه کشی هریک از نفرات از فاصله ۱۰ تا ۲۰ متری یک گلوله سنگی را به طرف هدف پرتاب می کند و هر کس گلوله اش به هدف خورد، برنده است.

